



داستان‌های تاریخی ۶

یادداشتی از امیر محمد بهرامیر
پژوهشگر

گونه تاریخی، یعنی داستانی که در گذشته اتفاق می‌افته و نویسنده سعی می‌کند اون دوره رو با دقت و جزئیات واقعی به تصویر بکشد. این گذشته می‌تونه صد سال قبل باشه یا حتی هزاران سال پیش.

تاریخ در ادبیات

داستان تاریخی ممکنه درباره یه شخصیت واقعی باشه یا شخصیت‌های خیالی که در کنار اتفاق‌های واقعی زندگی می‌کنن. در هر دو حالت، نویسنده باید لباس‌ها، زبان، آداب و رسوم، وسایل زندگی، ساختمان‌ها و حتی طرز فکر مردم اون زمان رو درست و واقعی نشون بده.

مکان و زمان تو این داستان‌ها خیلی مهمه؛ مثلاً اگه

داستان تو دوران قاجار ایران باشه، نویسنده باید بدونه اون موقع ماشین نبود و مردم برای سفر از اسب و کالسکه استفاده می‌کردن یا اگه داستان در رومِ باستان باشه، باید لباس‌ها، مسابقات گلاادیاتوری، معماری شهرها و باورهای مردم اون دوره درست توضیح داده بشه. این باعث می‌شه وقتی کتاب رو می‌خونی، حس کنی واقعاً ماشینِ زمان سوار شدی و رفتی تو گذشته.

تاریخچه

گونه تاریخی ریشه خیلی قدیمی داره و از همون موقع که آدم‌ها شروع کردن داستان گفتن و تاریخ خودشون رو ثبت کردن، شکل گرفته. در ادبیات غرب، نویسندگانی مثل

مارک تواین با کتابی مثل «شاهزاده و گدا» این گونه رو برای نوجوان‌ها جذاب کرده و در ادبیات ایران هم داستان‌های تاریخی از شاهنامه فردوسی گرفته تا رمان «دروازه مردگان»، نوجوانان رو به تاریخ علاقه‌مند کردن. این گونه همیشه یه ترکیب جذاب از واقعیت و خیال رو ارائه می‌کنه و به ما کمک می‌کنه تاریخ رو نه فقط با وقایع، بلکه با زندگی واقعی آدم‌ها تجربه کنیم.

داستان تاریخی چطور نوشته می‌شه؟

ویژگی‌های داستان‌های تاریخی اینه که همیشه دقت تو جزئیات حرف اول رو می‌زنه. نویسنده باید زمان و مکان، لباس‌ها، غذاها، روش زندگی و حتی زبان مردم

اون دوران رو درست نشون بده. دوم اینکه این داستان‌ها معمولاً محتوای آموزشی و فرهنگی دارن و آدم رو با تاریخ، فرهنگ و سنت‌های گذشته آشنا می‌کنن. سوم، اغلب داستان‌های تاریخی شخصیت‌محور هستن؛ یعنی داستان حول زندگی یک یا چند شخصیت می‌چرخه که ممکنه واقعی یا خیالی باشن. چهارم، ترکیب گونه‌هاست که خیلی رایجه؛ مثلاً ماجراجویی، عاشقانه، کارآگاهی یا حتی کمی فانتزی هم می‌تونه با داستان تاریخی قاطی بشه و آخر اینکه، این داستان‌ها خواننده رو غرق حس و حال گذشته می‌کنن و باعث می‌شن که تجربه تاریخی به یه ماجراجویی جذاب تبدیل بشه. با خوندن این

کتاب‌ها از دل داستان چیزهای زیادی درباره گذشته یاد می‌گیری. تاریخ فقط جدول تاریخ‌ها و جنگ‌ها نیست، پر از زندگی واقعی و ماجراهای آدم‌های واقعی. وقتی می‌بینی یه نوجوان صد سال پیش با چه مشکلاتی روبه‌رو بوده یا چطور خوشحالی‌های ساده‌ای داشته، می‌تونی اون رو با زندگی خودت مقایسه کنی و بیشتر درکش کنی و به زندگی امروز خودت نگاه کنی و احساس غرور داشته باشی برای پیشرفت‌های سرزمینت.

نمونه‌های ایرانی

اگه بخوام چندتا رمان خوب ایرانیِ تاریخی بهتون معرفی کنم، می‌تونیم اول بریم سراغ کتاب «صدای شب»، نوشته علی‌علیزاده؛ داستان این کتاب در دوران حمله مغول‌ها به ایران و در شهر صددروازه رخ می‌ده. مردم دارن آماده می‌شن که از شهرشون دفاع کنن. شخصیت اصلی، منوچهر، با دوستانش مثل روبین، آذر و کاوه دنبال اینن که جلوی مهاجم‌ها وایسن. وسط داستان، منوچهر دستگیر می‌شه و روبین تلاش می‌کنه که نجاتش بده که باعث می‌شه بقیه هم وارد ماجرا بشن.

برای کتاب دوم می‌شه از کتاب «یرحا»، نوشته سمانه خاکبازان حرف زد. کتاب، داستان یه دختر نوجوان یهودی به نام یرحا رو تعریف می‌کنه. یرحا همراه پدر و عموهاش به شهر مَرو می‌ره که یه سفر تجاری به نظر میاد، ولی خیلی زود می‌فهمه که یه نقشه خطرناک تو کاره. اون با شجاعت و هوش خودش وارد ماجراهایی می‌شه که اصلاً انتظارش رو نداشت.